

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش های ادبی- قرآنی»

سال سوم/ شماره سوم/ پائیز ۱۳۹۴

سبک تأثیرپذیری و کارکرد عناصر قرآنی در اشعار طاهره صفارزاده

سیده زهرا موسوی^۱ و فاطمه سلطانی^۲

چکیده

این جستار به بررسی و تحلیل عبارات قرآنی در اشعار طاهره صفارزاده می‌پردازد. ابتدا انواع سطوح مختلف تأثیرپذیری شاعر از آیات قرآنی واکاوی شده و منظور شاعر از بهره‌گیری از این عناصر قرآنی بیان شده است. در ادامه کارکرد های عناصر قرآنی در اشعار او که شامل کارکرد محتوایی، ادبی و دلالت‌های اسطوره‌ای است، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. تحقیق در پی پاسخ دادن به این پرسش است که سبک تأثیرپذیری شاعر از قرآن چگونه و در چه سطحی است. با توجه به بررسی های به عمل آمده محرز شد که تأثیرپذیری واژگانی بیشترین بسامد را در اشعار صفارزاده دارد که نشان دهنده اصالت سبک شاعر در امر تأثیرپذیری از قرآن در این حیطه است. این تحقیق به شیوه استقرایی و از نظر ابزار و میدان تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: واژه‌های قرآنی، طاهره صفارزاده، تأثیرپذیری، کارکردها.

**تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۰/۰۸

^۱نویسنده مسئول: عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک z-mosavi@araku.ac.ir

^۲دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

مقدمه

طاهره صفارزاده (۱۳۱۵-۱۳۸۸) از شاعران معاصری است که اندیشه‌های مذهبی و دینی را از سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی وارد حوزه شعر کرده است. شعرهای صفارزاده در آغاز بیشتر بر اساس مسائل شخصی اوست. بازتاب اندیشه‌های دینی و مذهبی در اشعار او، حاصل تفکر عمیق دینی وی در سال‌های پیش از انقلاب است.

صفارزاده در ایام تنهایی و خانه‌نشینی و مشاهده پاره‌ای از خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در او ایجاد شد، آن گونه که در این ایام، تمام وقت خود را وقف مطالعات قرآنی و خواندن تفاسیر کرد. (ر.ک. رفیعی، ۱۳۸۶: ص ۲۲)

او هنرمندی است سرشار از تقوای اسلامی. برای او دیدن و اثبات و دریافت حق در همه حال مهم‌ترین هدف است. مشاهده رواج تبعیض و طایفه‌گری، رانت و رشوه‌خواری، بالا رفتن تعداد وابسته به زیر خط فقر و تعداد وابسته به بالای خط ثروت در کشور، عمده‌ترین مسایل گله‌آمیز او به عنوان یک شاعر و اهل علم مسؤؤل مسلمان بود. شعر مکتبی، اسلامی صفارزاده با شعرهایی چون «فتح کامل نیست» و «سفر زمزم» آغاز می‌شود و با شعر کتاب‌های «سفر پنجم» و «بیعت با بیداری» به اوج خود می‌رسد. بنابر نظر بسیاری از کارشناسان، صفارزاده تنها کسی است که با زبان و شیوه خاص، فرهنگ مذهبی را به شعر نو وارد کرده است. او مذهب را به عنوان یک رهبر فطری و نیاز روحی برای انسان‌ها در جوامع بشری می‌داند. حق‌شناس معتقد است صفارزاده در «سفر پنجم» بدعتی را آغاز کرده است که ریشه در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن دارد. بدعت او نوآوری در جهان شعر است به کمک جهانی‌های دین. (ر.ک. حق‌شناس، ۱۳۵۶: ص ۱۱)

اُنس با قرآن کریم

طاهره صفارزاده شاعری مسلمان و مقید به اصول دینی و مذهبی است. در اشعارش شواهد فراوانی را می‌توان یافت که به شخصیت‌های دینی و مذهبی و آیات و احادیث اشاره کرده است. از دلایل این امر، پژوهش‌ها و مطالعات زیادی است که او در قرآن کریم داشته است؛ از

جمله کتابی با عنوان «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» که در آن به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و غیر فارسی قرآن دست یافت. «قرآن حکیم» حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن، آموختن زبان عربی، تحقیق و یادداشت برداری از تفاسیر و منابع قرآن است. به علاوه آگاهی بسیار از دانش، فن و هنر ترجمه و ترجمه‌هایی از قرآن کریم دارد؛ از جمله ترجمه قرآن حکیم متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی، ترجمه قرآن حکیم دو زبانه، متن عربی با ترجمه فارسی و ترجمه قرآن حکیم دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی، لوح فشرده قرآن حکیم سه زبانه؛ متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی. «معجزه»، لوح فشرده صوتی و ترجمه قرآن حکیم جزء ۲۹ و جزء ۳۰. ترجمه دعای عرفه دعای امام حسین (ع) متن عربی با ترجمه فارسی. ترجمه دعای ندبه و دعای کمیل متن عربی با ترجمه فارسی. مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی؛ گزیده‌ای از نهج‌الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی و ترجمه دعای جوشن کبیر. او تنها زنی است که لقب «خادم القرآن» را به دست آورده است.

انگیزه صفارزاده از به کاربردن آیات قرآن در شعر

به نظر برخی منتقدان، صفارزاده شاخه پیشرفته‌ای از شعر امروز را که باید آن را شعر ناب مذهبی نامید، آغاز کرد و نشان داد که شعر سپید می‌تواند در خدمت اعتقاد و ایمان انقلابی باشد (ر.ک. میرزایی، ۱۳۷۷، ص ۱۳) او شاعری است که شعر را آگاهانه و از روی اعتقاد و ایمان به مردم و برای مردم و به منظور ابلاغ رسالت و تعهدی که به عنوان یک شاعر مسؤول بر عهده دارد، به کار می‌گیرد و پیداست نتیجه اش شعری خواهد بود متعهد و مردمی. (ر.ک. ترابی، ۱۳۶۰، ص ۵)

صفارزاده انگیزه روی آوردن به چنین شیوه شعری را اعتقاداتش به لزوم استقرار معنویت در جامعه بشری می‌داند. او برای رسیدن به یقین، یک دوره سیر و سفر معنوی و درونی را پشت سر گذاشت که در همه جا هدایت الهی درونی شامل حالش شد. او معتقد است که دو عنصر مخرب به نام نفس مستبد و تسلط خارجی، امکان ظلم را به شیوه‌ای فریب آمیز فراهم می‌آورند و برای غلبه بر این دو عنصر، در دنیایی که توسط افکار غیر معنوی و وابسته اداره می‌شود، در بیان ادبی خود به قرآن کریم و روایات غنی اسلامی متوسل می‌شود. و این امر که وی برای بیان مضامین ضد امپریالیستی و ظلم ستیزانه خود علاوه بر طنزهای ظریف، کنایه‌های

نیشدار، به قرآن کریم متوسل می شود، خود نشان از خلاقیت این شاعر دارد. از دیگر دلایل صفارزاده در استفاده از آیات و عبارات قرآنی می توان به مواردی چون ضدیت با رفاه پرستی و تجمل گرایی و میل به ساده زیستی، عدم شیفتگی به قدرتهای مادی و معنوی، نوع دوستی و حمایت از طبقات محروم و نصیحت اغنیاء، حق طلبی در برابر استثمار و مقابله با استعمار اشاره کرد.

انواع تأثیرپذیری قرآنی در اشعار صفارزاده^۱

واژه های مذهبی و دینی و قرآنی آن اندازه در اشعار صفار زاده زیاد است که می توان این ویژگی را شکل دهنده سبک شاعر دانست و این شاعر را باید جزء شاعران آئینی و دینی و مذهبی به حساب آورد.

اثر پذیری صفار زاده از قرآن کریم را می توان به دو دسته زبانی و ساختاری تقسیم بندی کرد:

۱- تأثیر پذیری زبانی

قرآن کریم پر از اشاره و تمثیل و قصه است و از تشبیه و توصیف و استعاره و کنایه و ... زیاد استفاده کرده است، همین امر موجب می شود دریافت مفهوم این کتاب آسمانی دشوار نباشد. زبان کتاب «سفر پنجم» صفار زاده نیز از این گونه است. وی در این کتاب از تمثیل و اشاره و قصه بیشتر بهره برده است :

کاوه نبود/ درفش کاوه / آلوده زر بود / از غار تا مدینه انسان / چندین هزار قامت معنا / در قلب لحظه های قدسی هجرت می گنجد. (سفر پنجم، ص ۵۷)

یکی دیگر از شباهت های زبانی سفر پنجم به قرآن کریم این است که به بحث های محتوای شبیه قرآن می پردازد. صفار زاده در «سفر پنجم» مژده میدهد، می ترساند، سؤال می کند، نفرین می کند، بشارت می دهد. مانند نمونه ذیل :

^۱ - پژوهنده هرگز قصد مقایسه اثر صفار زاده با قرآن کریم را ندارد.

در هفت سین باستانی / سرخاب را دیدم که هلهله می کرد/ و سین قرمز/ ساکت بود/ ای بانوان شهر/ گلویتان هرگز از عشق بارور نشده است/ وگرنه سرخاب را به اشک می آلودید / و سین ساکت سبز را سلام می گفتید / سلام بر همه الا به سلام فروش. (سفر پنجم ، ص ۶۸)

شاعر در اینجا با نفی سلام فروش ، یک طبقه اجتماعی و فکری را نفی می کند.

۲- تأثیر پذیری ساختاری

۱-۲- قسم دادن به تقلید از قرآن کریم

برخی از اشعار صفار زاده همچون قرآن کریم با قسم شروع می شود. در قرآن کریم سوره هایی نظیر «عصر»، «تین»، «عادیات»، «تکویر» و ... با قسم شروع می شود و برخی از اشعار صفار زاده نیز به تاسی از قرآن کریم با قسم شروع می شود؛ قسم به توده های صف آرا ، قسم به روشنایی موعود ، قسم به شاهد و شهود، قسم به ارج قسم (ر.ک. دیدار صبح: ص ۷۴۹)

قسم به توده های صف آرا/ نصر خدا/فتح خدا/ فرا رسیده است. (بیعت با بیداری: ص ۳۳۴) در این شعر با کاربرد کلمات نصر و فتح، تأثیرپذیری واژگانی (وام گیری) دیده می شود.

در نمونه ذکر شده منظور از توده های صف آرا صفوف ستم زدگان و آزادگان در مصاف با لشکر طاغوت است. مفهوم سخن را نیز از آیه اول سوره نصر الهام گرفته است: «اذا جاء نصرالله والفتح.»

۲-۲- استفاده از فعل امر «بخوان» در اول شعر به تقلید از قرآن

«سوره علق» با «إقرأ» (بخوان) شروع می شود، صفار زاده نیز به تاسی از قرآن کریم شعر «در انتظار کلام» را با فعل «بخوان» شروع می کند:

بخوان بلند بخوان / در صبح این تلاوت معصومانه / صدای ناب اذان می آید... (دیدار صبح، ص ۴۹۳)

۲-۳- استفاده از «واو» آغازین

در قرآن کریم چندین بار از «واو» آغازین (واو استیناف یا استئناف) استفاده شده است. نظیر آیه ۷۱ و ۷۲ سوره مبارکه آل عمران: «یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون» و «قالت طائفة من اهل الكتاب آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا...» «واو» در ابتدای آیه ۷۲، واو ابتدا یا آغازین (استیناف) محسوب می شود. چون از نظر معنایی، ارتباطی با آیه قبل ندارد و مطلب جدیدی را بیان می کند.

زیباترین و بارزترین نمونه «واو» آغازین، در آیه ۱۵ سوره احقاف است که در آن، واو ابتدای آیه هیچ ارتباط معنایی با آیه قبل ندارد. از دیگر نمونه ها می توان به آیه ۲۸۲ سوره بقره و آیه ۵ سوره حج اشاره کرد.

در اشعار صفار زاده نمونه های فراوانی از این دست می توان یافت. آغاز و چندین بند شعر «بر شانه های عبدالله» با «واو» شروع شده است:

و ما / مجذوب آن دوپاره نوریم / کز آسمان می آمد / و می نشست / ...

نمونه های بیشتر: «واو» آغازین (ر.ک. از جلوه های جهانی: ص ۸۶۰)، (روشنگران راه، ص: ۵۵۱)

۲-۴- سلام دادن

صفار زاده به شیوه قرآن کریم، به تقلید از سوره هایی چون «صافات»، «مریم»، «هود» و ... و با تأثیرپذیری از بسیاری از کتب ادعیه و زیارت نظیر «زیارت عاشورا» و ... در بسیاری از اشعار خود، بر اشخاص و عناصر گوناگونی سلام می دهد:

سلام بر سپیدی نور / سلام بر سجده / سلام بر سیادت احمد و آل او / سلام بر سبطین / سلام بر سجاد (ع) سلام بر سلامت وعده / در روزگار عدل جهانتاب / سلام / سلام / سلام. (در پیشواز صلح؛ ص ۷۹۷) در ذیل نمونه هایی از سلام های قرآنی به همراه سوره های آن ذکر می شود: ان الله و ملائکه یصلون علی النبی، ایها الذین آمنوا اصلوا علیه و سلموا تسلیما - (احزاب / ۵۶، و السلام علی من التبع الهدی. سلام بر رهپویان وادی هدایت) (طه / ۴۷)

انواع اثر پذیری صفارزاده از قرآن کریم

سابقه بهره گیری و اثر پذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به نیمه های سده سوم می رسد و آن زمان که شعر در خدمت تبلیغ دینی قرار می گیرد و به عنوان قالبی جهت پند و اندرز و اخلاق و جلوه گاه عرفان و تصوف قرار می گیرد، استفاده از قرآن و حدیث در اشعار نیز گسترش می یابد و سرانجام در سده هفتم، در اشعار مولانا به اوج خود می رسد.

صفارزاده گاه عبارات قرآنی را به صورت جمله ای مستقل در کلامش گنجانده است و گاه به صورت بخشی از جمله ای فارسی که با این عمل، علاوه بر تلمیح به آیه های قرآنی آشنایی زدایی نیز نموده است. در ذیل انواع اثر پذیری صفارزاده مورد نقد و بررسی قرار می گیرد:

۱- اثر پذیری واژگانی^۱

در این شیوه شاعر پاره ای از واژه ها و ترکیب ها را از قرآن می گیرد؛ یعنی اصل و اساس این واژه ها از قرآن است. اثر پذیری واژگانی بر اساس تقسیم بندی سید محمد راستگو به سه شیوه وام گیری، ترجمه و برآیند سازی تقسیم می شود. (راستگو، ۱۳۷۶: ص ۱۶)

۱-۱ وام گیری: در این شیوه واژه یا ترکیبی قرآنی با همان ساختار عربی و بدون هیچ تغییری وارد زبان شعر می شود:

گردشگران جهانی خالق را / سونامی و سیل و زلزله و طوفان را / نمی بینند / صدای **دکا دکای زمین** را / نمی شنوند. «دکا دکا» واژه ای قرآنی است و بر گرفته از آیه «کَلَّا إِذَا دَكَتِ الْأَرْضُ دَكَاةً» می باشد. (این چنین نیست که می پندارید هنگامی که زمین را به شدت در هم کوبند ...) (فجر، آیه ۲۱)

در نمونه یاد شده شاعر با عبارت «دکا دکا» به ثروتمندان متذکر می شود که روز قیامتی در کار است و از این فاصله ای که بین فقرا و ثروتمندان مملکت وجود دارد، ناخرسند است.

^۱ - ترکیب‌ها و عبارات کنایی را نیز جزء واژه در نظر گرفته‌ایم.

در ادامه این آیه می فرماید «آن روز است که دوزخ را بیاورند و آن هنگام است که انسان متذکر می شود و کجا این تذکر برای او سودمند است.»

یادر نمونه زیر شاعر حضرت علی (ع) را رابطه می خواند و کسانی را که نتوانستند قدر ایشان را بشناسند و جانشینی به حق ایشان را بعد از رسول خدا(ص) قبول نکردند، ملامت می کند :

علی (ع) / دری به شهر با شکوه علم رسول است / آن ناشیان / که از در اصلی نیامدند / در بزرگ سعادت را / به روی خلق خدا بستند / و رابطه را بستند / و **حکم «رابطوا»** را / رد کردند (در پیشواز صلح: ۷۷۸)

«رابطوا» اشاره دارد به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطو و اتقوا الله لعلکم تفلحون» «ای کسانی که ایمان آوردید صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و با یکدیگر در ارتباط باشید و تقوا پیشه کنید شاید که رستگار شوید»

نمونه های بیشتر تأثیر پذیری واژگانی به شیوه وام گیری:

دریا / به قطره باران / بی اعتناست / و اقیانوس / نیست می انگارد / اندام قطره را / اما خالق دریا و اقیانوس / در معنی **شکور** / ما را که ذره هایی هستیم / به پاس بندگی خالصانه ... به کوه های سترگ / بدل می فرماید. (روشنگران راه ، ۶۷۱) «شکور» اشاره دارد به آیه «لیوفهم أجورهم و یزیدهم من فضله انه غفور شکور» سوره (فاطر ، آیه ۳۰) تا خداوند پاداش آنان را تمام و کمال بدهد و از کرم و فضل خویش بر آنها بیفزاید همانا او آمرزنده و بسیار شکرگزار است.»

۱-۲- ترجمه : در این شیوه شاعر از ترجمه واژه یا ترکیبی قرآنی بهره می گیرد:

فطرت / پرنده ای است / پیکی غریب / کز راه های دورترین آمده / رویش به پایگاه شناسا / میلش به نوع و مرکز خویش است. (روشنگران راه ، ۶۸۰) که ترجمه این آیه است: «فاقم وجهک للذین حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون» پس روی خود را به جانب دین معتدل و حنیفی کن که مطابق فطرت خداست؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن آفرید و در آفرینش خدا دگرگونی نیست. این است دینی مستقیم

ولی بیشتر مردم نمی دانند. (روم، آیه ۲۰) در این شعر، واژه «فطرت» نیز به صورت وام گیری به کار رفته است.

یادر مثال ذیل به جای ترکیب قرآنی «یوم الدین» (سوره حمد، آیه ۴) روز دین می آورد:

او/ مالک تمام زمان هاست/ شب/ روز/ شبانه روز/ روز دین. (از جلوه های جهانی: ص ۸۸۷)

نمونه های بیشتر: «مهلت معین» (درپیشواز صلح، ص ۷۴۶) ترجمه واژه قرآنی «وقت معلوم» (سوره ص / آیه ۸۱) روز فصل (سوره نبا آیه ۱۷) به جای ترکیب قرآنی «یوم الفصل» که منظور همان روز قیامت است. (بیعت با بیداری، ص ۳۰۹) «خون بسته» (علق / آیه ۲) (بیعت با بیداری: ص ۲۹۹)

۱-۳- برآیند سازی: منظور از این شیوه، واژه یا ترکیباتی هستند که بر پایه مضمون آیه ای ساخته شده باشند. این شیوه یکی از پر بسامدترین شیوه هایی است که اغلب شعرای ما از آن بهره برده اند. واژه ها و ترکیبات فراوانی را از این دست می توان در اشعار صفار زاده معرفی کرد:

ظاهر، باطن، اول و آخر (از اسماء الهی)، (دیدار صبح، ص ۴۹۴)، صبر ایوب و صورت یوسف (سفر پنجم، ص ۲۴۲)، قوم لوط (سفر پنجم، ص ۲۳۸) شاهد و مشهود بروج / آیه ۳۰۲ (در پیشواز صلح: ص ۷۴۹)، لوامه، مطمئنه، اثاره (همان: ص ۷۴۷)

۲- اثر پذیری گزارشی

منظور از این شیوه آن است گوینده مضمون آیه یا حدیثی را در کلام خود بیاورد که خود به دو شیوه ترجمه و تفسیر تقسیم می شود^۱

۱-۲- ترجمه: در ترجمه شاعر می تواند ترجمه آیات قرآنی را به صورت بسته یا به صورت باز به کار برد:

^۱ - ر.ک. راستگو، ۱۳۷۶: ص ۲۸)

ترجمه بسته: در این شیوه ترجمه به صورت تحت الفظی است که هم در معنی و مضمون با اصل عربی آن برابر است و هم در ساختار بیانی.

در نمونه زیر صفارزاده به منظور تبیین و توضیح در مورد نماز می گوید: نماز اصل است/ واصل اصل ایمان/ استوار به غیب است^۱. (روشنگران راه، ص ۵۷۱) که ترجمه آیه ۳ سوره بقره است. «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلاه و مما رزقناهم ینفقون.»

روح این امانت والا / آن هم از آن اوست/ به او بر می گردد. (از جلوه های جهانی: ص ۸۸۸) ترجمه آیه ۱۵۶ سوره بقره. «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انالله و انا الیه راجعون.»

ترجمه باز: در ترجمه باز به ضرورت وزن و قافیه، دگرگونی هایی در ساختار بیانی ایجاد می شود:

شیطان اقرار کرده است که از جنس آتش است. (در پیشواز صلح، ص ۷۴۶)

«قال ما منعک الا تسجد اذ امرتک قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین» (خداوند فرمود چون تو را به سجده فرمان دادم چه چیزی تو را مانع شد که سجده نکردی گفت: من از او بهترم، مرا از آتش پدید آوردی و او را از خاک.) (اعراف/ آیه ۱۲)

۲-۲- شیوه تفسیری : در این شیوه شاعر آیه ای را شرح و بسط

می دهد. به عنوان مثال:

در لوحه هدایت / به پیشگاه خداوند/ والاترین بنده / پرهیزکارترین است/ پرهیزکار/ درست می اندیشید/ خلاف امر گامی نمی نهد / راهی نمی رود/ حرفی نمی زند/ چهار مصراع اول شعر، ترجمه ای است بسته از آیه ۱۳ سوره حجرات: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر.»

^۱ - ر.ک. راستگو، ۱۳۷۶: ص ۲۸

(در پیشواز صلح، ص ۸۰۳) مضمون شعر برگرفته از آیه ۸۵ سوره آل عمران است؛ «و من بیتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخر من الخاسرین» و هرکس بخواهد غیر اسلام را به عنوان دین بپذیرد از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود. شاعر در این نمونه بعد از ذکر مضمون آیه تفسیر و توضیحی از پرهیزگاری می دهد. مثالی دیگر:

قداره بند کوه / در ضرب و شتم و قتل / حکم جدیدی گرفته است / و وزنه های سنگی اسرار / به پیشواز روز مهیب / نثار عبرت خلق است / آن روز چون زمین به لرزه درآید / امدادهای داخلی و خارجی / دریغ می شود از این و آن / نصیب انسان / در میدان / تنهایی است و تقلا / غریو و ناله و واویلا / همه ستمکاران / به خود ستم کردند... / آواز اضطراب / آواز زلزله ... (در پیشواز صلح ، ص ۷۳۳)

این نمونه که برگرفته شده است از آیات « اذا زلزله الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها» (هنگامی که زمین با زلزله ای به لرزه در آید و آنچه از مردگان و معادن که در شکم خود دارد بیرون می ریزد) (زلزال/۲) شاعر در چند بند دیگر همین مسأله زلزله را که اشاره به آیات سوره «زلزال» دارد مورد تفسیر و تبیین قرار میدهد و علائم و نشانه های روز رستاخیز را به طور مفصل بیان می کند. (در پیشواز صلح، ص ۷۳۳)

وقتی که خشک و ترا / به سوختن آغازد / آتش رسیدگان / از سر ناچاری / به یکدیگر می گویند / بر می گردیم / اینک به جانب او بر می گردیم / چگونه برگشتن هم حرفی دارد / با شوق و سربلندی / با شرم و بیم / با دست خالی / با دست پر / چگونه بر می گردیم...

«اینک به جانب او بر می گردیم» اشاره دارد به آیه «انا الله و انا الیه راجعون» (بقره/ آیه ۱۵۶) شاعر با طرح سؤالی که چگونه به سمت پروردگار برخواییم گشت، دامنه شعر را می گستراند و این «چگونه برگشتن» را تفسیر می کند.

۳- اثر پذیری گزاره‌ای

یکی دیگر از شیوه های تأثیر پذیری های صفارزاده از قرآن اثرپذیری گزاره ای است که در این نوع، از روش اقتباس و تضمین بهره برده است.

اقتباس و تضمین: در این شیوه شاعر عبارات قرآنی را با همان ساختار عربی و به صورت یک جمله کامل در ضمن سخن خود می آورد. شاعر از به کارگیری این شیوه اهدافی دارد از جمله تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تحلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته پردازی، فضل فروشی، هنر نمایی و ... صفارزاده در مقام استشهاد و استناد و برای تحذیر ابیات زیر را سروده است:

روح/ این عنصر امانی/ این بنده صدیق خداوند/ از نور آمده/ در «آدم»/ کلام صاحب نور/ از وقوع واقعه فرخنده/ بارها خبر داده است/ *و نفخت فیه من روحی/ و نفخت فیه من روحی*. (روشنگران راه، ص ۶۸۱) عبارات برجسته آیه ۲۹ سوره حجر و ۷۲ سوره ص هستند. کلمه «واقعه» نیز اثرپذیری واژگانی دارد: «اذا وقعت الواقعة.» (واقعه/۱)

یا به منظور تبیین و توضیح از آیه ذیل بهره برده است:

اسرار روح را/ تنها خدا می داند/ *قل الروح من امر ربی*

(روشنگران راه، ص ۶۶۱)

«و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی وما اوتیتهم من العلم الا قلیلا»

ای رسول، از تو درباره روح پرسش می کنند، بگو روح از عالم پروردگار من است و از علم جز اندکی به شما داده نشده است. (اسراء، آیه ۸۵)

۴- اثر پذیری الهامی بنیادی

در این شیوه گوینده مایه و پایه سخن خود را از آیه ای الهام می گیرد. در این نوع که شواهد آن در اشعار صفارزاده نادر است، شاعر دخل و تصرف اندکی را در سخن خود ایجاد می کند. تأثیرپذیری الهامی بنیادی در اشعار صفارزاده برای اهداف معینی استفاده شده است: در نمونه ذیل

به منظور امید دادن به ستمدیدگان شاعر می گوید:

بازآ/ بازآ/ ای حق آشکار و تبعیدی / ای رهبر رموز رهایی/ بازآ/ که چون تو باز بیایی/ باطل خود خواهد رفت.

در شاهد فوق که اشاره دارد به این آیه قرآنی که «جاء الحق و زهق الباطل»، شاعر موج امید را در دل منتظران امام خمینی(ره) ایجاد می کند و معتقد است که با آمدن ایشان، آزادی خواهد آمد و نیز حق خواهد آمد و باطل از بین خواهد رفت.

چطور / این همه جان قشنگ را/ عایق کردند/ چطور/ ... (سفر پنجم: ص ۲۴۱) «جان قشنگ» از آیه «لقد خلقنا الانسان في احسن التقويم.» (تین/۴) گرفته شده است.

۴-۱- اثر پذیری تلمیحی

یکی از رویکردهای تأثیرپذیری از قرآن، اثر پذیری تلمیحی است؛ بدین معنا که پایه و اساس سخن از قرآن گرفته شده، همراه کلیدواژه‌ای ذکر می شود:

... در مسجدی که پلکان معجزه بود/ در ارتفاع جاودانی معراج/ **معراج آسمانی عبد خدا...** (روشنگران راه : ص ۵۸۳)

اشاره دارد به آیه «سبحن الذی اسرى بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الذی بارکنا حوله...» «منزه و پاک است آن خدایی که شبی بنده اش (محمد) را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت دادیم حرکت داد...» (اسراء ، آیه ۱)

جمع خلوص/ هیأت موفق صلح است/ **در دفع تفرقه ها.** (در پیشواز صلح، ص ۷۲۷)

«و لاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ماجاء هم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم» (ای اهل ایمان مانند کسانی نباشید که پس از آن که دلایل روشن برای آنها آورده پراکنده و گروه گروه شدند و (در دین) اختلاف پیدا کردند و آنان را عذابی بزرگ است) آل عمران ، ۱۰۵)

... و شکل بودن من / شکل روح من / هم شیار انگستانم / مرز شباهتی ندارد/ با مادرم/ با پدرم/ با هیچ کس. (بیعت با بیداری، ص ۳۰۵۴) «بلی قادرین علی ان نسوی بنانه» (سوره قیامت آیه ۴) (چرا در حالی که تواناییم (خطوط) سر انگستانش را درست و نیکو باز سازی کنیم)

که انتقام ربّ مطمئنه شدید است. (در پیشواز صلح؛ ۷۴۹)

«ان بطش ربک لشدید» بی تردید به قهاری گرفتن و مجازات پروردگار بسیار سخت است
(بروج/ آیه ۱۲)

در ابیات زیر شاعر انگیزه مبارزه امام خمینی (ره) و قیام مردمی و انقلاب اسلامی را به آیه «قم فانذر» برخیز و بیم ده (مدثر، آیه ۲) مرتبط می سازد:

قم را شنیدی و بر پا شدی / قم گفתי و همه بر پا شدند / و همه هم حق خواهان / در خاک
اولین / در صلصال / آن سان نفس دمید / که از کویر کسالت / هزار چشمه همت جوشید. (بیعت
با بیداری، ص ۲۹۴) کلمه صلصال تلمیح دارد به آیه «خلق الانسان من صلصال
کالفخار» (الرحمن/ ۱۴)

نمونه های بیشتر: سروش قم (بیعت بیداری: ص ۲۹۴)، دعوت قم، (همان، ص ۳۰۸، واقعه
اصلی) همان، (ص ۷۴۳) آن نطفه های خصیم (یس/ آیه ۷۷)، اقرار حافظه نفسها (انبیا/ آیه ۴۴)
(ر.ک. در پیشواز صلح، ص ۷۲۵)

کارکرد عناصر قرآنی

کارکرد عناصر قرآنی در اشعار صفارزاده را می توان از نظر کارکرد محتوایی، ادبی و دلالت های
اسطوره ای مورد نقد و بررسی قرار داد.

۱ - کارکرد محتوایی

- مبارزه با استعمارگری

یکی از مفاهیم اشعار صفارزاده اندیشه ضد استعماری اوست. نوعی ستیز و تقابل با حاکمیت
زور از محورهای پر بسامد اشعار این شاعر است که برای تفهیم چنین اندیشه ای از کلام قرآن
کریم بهره می گیرد. آن جا که می گوید: «ثُمَّ رَدَّ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ لَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ
الْحَاسِبِينَ» (سپس همه را به سوی خدا، سرپرست و مولای به حقشان باز می گردانند. آگاه
باشید که فرمانروایی و حکومت مطلق فقط ویژه اوست.) (انعام / آیه ۶۲)

- سلطه گران / دوباره طغیان کردند / صدای ناب اذان می آید / و حکم از آن خداوند است^۱ / و خون پاک حق طلبان / به حکم خداوند / جهان ستم را ویران خواهد کرد / ستمگران باید در انتظار کیفر باشند / که حکم از آن خداوند است. (روشنگران ، ص ۵۸۹)

شاعر در نمونه ذکر شده با تأکید به این که «حکم و فرمان تنها از آن خداوند است»، معتقد است که به امر خداوند سرانجام حق طلبان و ستمدیدگان از سلطه ستمگران و سلطه گران بیرون خواهند آمد و سلطه گران به فرمان الهی کیفر خواهند شد.

در شعر «اخذودیان»^۲ که به معنای سرکوب مؤمنان توسط سفاکان جاهل است آمده است:

شگفت نیست اگر / نوادگان قومی قربانی ها / قربانیان کوره آدم سوزی / امروز خود/ مهندسان موشک آدم سوزند / خرد که رهبری نکنند/ ادب ز بی ادبان / چگونه بیاموزند / این جاهلان تحت سلطه اماره / تحت سلطه شیطان. واژه اماره در این آیه قرآن آمده است: «وما أبرئ نفسي ان نفس الامارهابالسوء الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم» (یوسف/۵۳) که اثرپذیری از نوع واژگانی (وام گیری) است.

در نمونه یاد شده از سفاکان نادان در عرصه های مختلف تاریخی یاد می شود که دشمن ایمانند و مؤمنان را در آتش خندق ها به خاکستر حریق تبدیل می کنند و کوره های آدم سوزی هیتلر با کشتار مردم بوسنی و هرزگوین در عصر تمدن چنان در کنار هم چیده می شود که فواصل زمانی گذشته تا حال به صفر کاهش پیدا می کند. در ادامه می گوید: لوآمه / هنگام سیل فتنه اماره / سدی در اختیار ندارد/ بانگ قدیمی هشدار / مهجور گشته خاموش.../ صورت دروغ های دسیسه / صدای واضح و رایج / صدای غالب این قرن است/ خلق نظاره گر و بی غیرت / لطفی به غیر خویش ندارد. واژه لوآمه (سرزنش کننده) بر گرفته از آیه ۲ سوره قیامت است: «ولا أقسم بالنفس اللوآمه.»

^۱ - «حکم از آن خداوند است» اشاره دارد به آیه «ان الحكم الا لله» که در آیه ۵۷ سوره انعام و ۴۰ و ۶۷ سوره یوسف تکرار شده است. ویا «الا له الحكم» که قسمتی از آیه ۶۲ سوره انعام است.

^۲ - بروج آیه ۴ «قتل اصحاب الاخذود»

نفس اماره از انجماد مخاطبان خود حیران مانده است. شاعر آخودیدیان را مظهر نفس لوامه می داند که مردمان را می فریبند و بشر را کوری جلوه فروش می داند که مزدوری می کند و همچنین چند چهرگی مسلمانان را تصویر می کند که در لفظ موحدند و در عمل خلاف آن.^۱

– هشدار و تحذیر غافلان

زلزله / زمین می لرزد / زمین ز دست زلزله می لرزد / دل ها / درون دلهره می لرزند / ... و چون زمین به لرزه درآید / آغاز راه پریشانی ست / آغاز حرف ها / چه کرده ایم و چه باید کرد / ...

شاعر سوره زلزال و چشم انداز قیامت را به تصویر کشیده است تا بدان وسیله غافلان و گمراهان را از قهر زمین و زمان هشدار دهد و بترساند که روزی فرا خواهد رسید که باید در پیشگاه الهی پاسخگوی اعمال خود باشیم.

– جهت گیری های سیاسی

در شاهد زیر شاعر از کشتار مسلمانان و نمازگزاران فلسطینی در مسجد الاقصی توسط صهیونیست ها انتقاد می کند و با اشاره به مسأله معراج، قداست مسجد الاقصی را می نمایاند. شاعر فلسطینی ها را مرغان حقی می نامد که در برابر دژخیم های سلسه ذونواس؛ یعنی اسرائیلی های غاصب با قله سنگ ها ایستادگی می کنند. در ابیات بعدی شاعر با ظرافت خاصی فلسطینی ها را به «طیرابابیل» و قله سنگ هایی را که آنان سمت دشمنان پرتاب می کنند را به «سنگ ریزه های طیرابابیل» و رژیم صهیونیستی را به «سپاه ابرهه» تشبیه می کند. و در ادامه به مسلمانان فلسطینی این بشارت را می دهد که خداوند مسجد الاقصی را همچون خانه خود محافظت خواهد فرمود و به آنان که در این راه کشته می شوند وعده می دهد که «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» (آل عمران/آیه ۱۶۹)

در مسجد خدا / نمازگزاران را کشتند / نماز گزاران را / حین رکوعشان / حین سجودشان / حین قیامشان کشتند / در مسجدی که پلکان معجزه بود / در ارتفاع جاودانی معراج / معراج

^۱ - (ر.ک. رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۵)

آسمانی عبد خدا / امروز / آن پلکان آسمانی / پایگاه اهل هبوط است / هبوط از حق / مردانگی و مروت. (روشنگران راه، ص ۵۸۳) (اسرا/آیه ۱)

استفاده از آیات متعدد در شعر «آن قبله گاه نخستین» را می توان یکی از ابتکارات صفارزاده در بیان شقاوت سلطه گران حاضر و یاغیان امروز دانست که حکم از آن خداوند است و خداوند همواره یار و محافظ مؤمنان خواهد بود:

... و حکم از آن خداوند است / همان یگانه ابر قدرتی / که خانه خود را / با سنگریزه های طیر ابابیل^۱ / محافظت فرمود / دوباره / باز / هماره / محافظت خواهد فرمود / که راه و خانه او از همندا / و او به حفظ راه و کلام^۲ / به یار مؤمن^۳ / به حفظ وعده خود / اراده فرموده است / و وعده حق / حق است^۴ / امروز آن پرندگان شهید / هم زنده اند / هم شاهد / و میهمان خداوند / به رزق و روزی پاک^۵ در غرفه های عزت و خرسندی / و این ستمکاران / تجار اسلحه و تنهایی / ادژخیم های سلسله ذونواس^۶ / خورد و خوراکشان / خبر خون است / خون محاصره شدگان مظلومان / این فاجعه / در شعر و عکس و قصه نمی گنجد. (روشنگران راه، ص ۵۸۵)

- جریان سیال ذهن

در کنار اهداف مختلفی که صفار زاده از به کار گیری واژه ها و آیات قرآنی دارد یکی دیگر از دلایل بهره گیری صفار زاده از آیات و ترکیبات قرآنی شیوه «جریان سیال ذهن» است که در جای جای شعرش موج می زند؛ به عبارت دیگر مثلاً گاهی شاعر در مورد یک مسأله سیاسی سخن می گوید و در همان حال مطلبی دیگر در ذهنش تداعی می شود و فکر او را به خود می کشاند که ظاهراً هیچ ربطی به مورد اول ندارد اما اگرچه این دو نمی توانند از لحاظ صوری مکمل هم باشند ولی میان این موارد به ظاهر بی ارتباط، رابطه پنهانی وجود دارد که جنس آن

^۱ - فیل - آیه ۳

^۲ - حجر آیه ۹

^۳ - حج آیه ۳۸

^۴ - نساء / آیه ۱۲۲

^۵ - آل عمران / ۱۶۹-۱۷۲

^۶ - همان

ها ریشه از یک سرچشمه؛ یعنی همان ذهن شاعر دارد. نمونه ای از این پرسش های ذهنی در مثال زیر می آید:

اعتراف این مرده نزد برهمنان چه بود/ خیره شدن به دست های خبازان شاید/ تجاوز به ساحت
یک قرص نان شاید/ دیروز بر دوش آدمی ارابه ای دیدم/ بارش مهارچه و بانو / گفتم وحده لا
اله الا هو. (طنین در دلتا، ص ۱۳۰)

۲- کارکرد ادبی

از جمله کارکردهای مهم ادبی واژه های قرآنی در اشعار صفارزاده ایجاد موسیقی معنوی، موسیقی درونی و بیرونی است که شاعر در به بهره گیری از تمامی این آرایه ها دست به آشنایی زدایی زده است.

۲-۱- کارکردهای ادبی واژگان قرآنی

واژه ها و عبارات قرآنی در اشعار صفار زاده علاوه بر آن که با مضمون مذهبی کلام سنخیت دارند، شاعر از کاربرد این واژگان اهداف دیگری نیز داشته است که در ذیل هر یک از این موارد معرفی می شوند:

۲-۱-۱- موسیقی معنوی

۲-۱-۱-۱- تلمیح: عنصری است که در تمامی کاربردهای مذهبی و قرآنی کلام شاعر وجود داشته و باعث ایجاد موسیقی معنوی در کلام شاعر شده است.

۲-۱-۱-۲ تضاد

من از گِل آمده ام/ و دشمن از آتش / در خاک نور هدایت است/ در آتش/ التهاب فساد و فتنه /
من خاک بودم/ بیراهه رفته بودم/ در باد/ مرا دوباره فراخواندند... (مردان منحنی: ص ۳۸۶) با
بهره گیری از سوره اعراف، آیه ۱۲، «انا خیر منه خلقتنی من النار و خلقته من طین» به عناصر
اربعه که اضداد هستند اشاره می کند.

جمع خلوص / هیأت موفق صلح است / در دفع تفرقه‌ها. (در پیشواز صلح، ۷۲۷) به سوره آل عمران، آیه ۱۰۳ اشاره دارد: «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا..»

۲-۱-۲- موسیقی درونی

یکی دیگر از اهداف شاعر در به کار گیری واژگان قرآنی، ایجاد موسیقی درونی در کلام است که سبب آشنایی زدایی شده است:

روزی که بچه های او / به سخن درآیند / این بچه های پیرو جوان و میانه سال / **اقرار حافظه**
نفسها / زلزله استغائه را / در سراسر دنیا / در شهر و روستا / ایجاد می کند. (در پیشواز صلح: ص ۷۲۵) (انبیا / آیه ۱۴) (در پیشواز صلح: ص ۷۲۵) واژه زلزله را نیز از آیه ۱ سوره حج وام گرفته است: «ان زلزله الساعة بشيء عظیم.»

در نمونه فوق شاعر با هم قافیه آمدن «نفسها» «را»، «دنیا» و «روستا» به موسیقی درونی کلام توجه داشته و کلامش را غرابت بخشیده است.

-گاه شاعر به تقویت موسیقی برخاسته از واج‌ها نظر داشته است. در مثال زیر شاعر با استفاده از تکرار واج «ز» به واج آرایی پرداخته است. «ز» همچنین با واج «ظ» در واژه انتظار هم آواست:

باید زمینه ساز زمان باشیم / **اگر در انتظار زمانی هستیم** / که رهبران هدایت / و همراهان هادی / حق خدانشناسی و انصاف / ... هدیه می آورند. (در پیشواز صلح: ص ۷۲۳) (یونس / آیه ۲۰) در واقع شاعر بخش آخر آیه را در نظر دارد: «...فانتظرواآتی معکم من المنتظرین»

-گاه شاعر با کاربرد انواع جناس به ایجاد موسیقی درونی نظر داشته است:

و قلب دشمن / به دست خشم و شک می افتاد / و **بازگشت مکر / به مکاران**. (در پیشواز صلح: ص ۷۲۳) (فاطر / آیه ۴۳) «ولا یحیی المکر السییء الا باهله»

با میخ‌های «**رواسی**» / با **کوه های «راسیه»** / کوه های ثابت و سنگین و استوار / مهار و میخکوب شده است. (در پیشواز صلح: ص ۷۹۹) شاعر ضمن اشاره به «والجبال اوتادا» (نبأ / آیه

۷) واج آرایبی کرده است. (در پیشواز صلح: ص ۷۹۹) واژه «راسیه» به صورت جمع مونث (راسیات) در آیه ۱۳ سوره سبا آمده است: «... وجفان کالجواب و قدور راسیات...» و کلمه «رواسی» که نه بار در قرآن کریم ذکر شده است از جمله «... و جعل فیها رواسی و انهاراً» نیز از دیگر نمونه های تأثیر‌پذیری واژگانی (وام‌گیری) محسوب می‌شوند.

موسیقی کناری

گاه شاعر جهت رعایت موسیقی به کاربر واژگان قرآنی روی می‌آورد در مثال ذیل شاعر به هم قافیه آوردن عاد و بیداد توجه داشته و علاوه بر برجسته ساختن کلامش به غنای موسیقی کناری نیز نظر داشته است:

هم قافیه آوردن:

در قصد سلسله ی بیداد / در قصد قوم عاد (هفت سفر، ص ۳۸)

قافیه های متجانس:

و گاه با قافیه متجانس موجود در کلام به عادت زدایی واژگان قرآنی پرداخته است:

به یاری بسم الله / به همت قلم الله (روشنگران راه، ص ۳۳)

واج آرایبی:

گاه شاعر به هم آوایی و واج آرایبی در کلام توجه داشته است و این امر یکی از ملاک های گزینش واژگان قرآنی در کلامش می‌باشد. در نمونه ذیل شاعر به واج آرایبی ناشی از تکرار «ق» در کلامش نظر داشته است:

با نظم جاودانی / به قدرت تقدیر القدر (روشنگران راه، ص ۱)

نمونه های بیشتر از این نوع:

القادر با واژگان یقین و قدرت ایجاد هم آوایی کرده است (همان، ص ۱۸). شداد با واژه ی بهشت (هفت سفر، ص ۷۵)

گاه شاعر این نوع از واژگان را با یکی از عناصر خیال پیوند می دهد. در مثال های زیر که همه اضافه های سمبلیکی هستند، شاعر با استفاده از واژگان قرآنی علاوه بر تأکید بر مضمون مذهبی و نیز تلمیح، با استفاده از تخیل به عادت زدایی پرداخته است.

صبر ایوب (هفت سفر، ص ۱۰۰)، صبر طالوت (همانجا)، صورت یوسف (همان، ص ۷۲)

گاه شاعر از رهگذر گره زدن این نوع از واژگان با فرم بیرونی، به عادت زدایی پرداخته است:

اقصی

اقصی

اقصی (روشنگران راه، ص ۴۰)

گاه این نوع از واژگان زمانی که تکرار می شوند، آشنا زدا می گردند:

خلیل خصم اول خم پستان بود/خلیل حامی کرامت انسان بود/خلیل می دانست /آتش هم از اراده ی حق بیرون نیست (مردان منحنی، ص ۲۹)

و گاه این واژگان صرفاً سبک سازند:

مجموعه دیدار صبح: کفور(ص ۸۱)، ذره، مثقال، خیر، شر (ص ۱۳۳)، یاسین(ص ۱۳۰)، رسول (ص ۱۲۲). فاتحه(ص ۸۴)، عروه الوثقی(ص ۷۳).

مجموعه روشنگران راه: جبرئیل (ص ۱۰)، کوثر(ص ۱۱)، ليله ی مبيت (ص ۱۷) ابرهه، طیر، ابابیل(ص ۴۱)، مسیح (ص ۵۰)، فرعون(ص ۵۵)، سبا(ص ۵۷)، الرحمان(ص ۱۱۰)، شکور(ص ۱۲۷)، لوامه(ص ۱۴۴)، اماره(ص ۱۶۱).

مجموعه مردان منحنی: ادريس(ص ۱۸).

مجموعه هفت سفر: لوط(ص ۶۷)، الله (ص ۵۶)، عروه الوثقی(ص ۴۸)، حور و غلمان(ص ۱۰۵)، سدره (ص ۱۲۳)، قم (ص ۱۰۹)، عزرائیل (ص ۱۰۱)، بولهب (ص ۹۴)، ابراهیم (ص ۱۱۹).

تحلیل واژگان قرآنی

از مجموع ۲۵ مورد واژه قرآنی، ۱۲ مورد آشنا زدا و ۳۳ مورد صرفاً سبک سازند. از این تعداد می توان به نتایج زیر دست یافت:

در تحلیل واژگان قرآنی باید گفت اگرچه برخی از این واژگان بنا به دلایل موسیقایی، بلاغی و نیز گره خوردگی با شکل بیرونی، آشنا زدا گردیده اند ولی اغلب این واژه ها سبک سازند. که شاعر در دفاتر روشنگران راه هفت سفرودیدار صبح از تلمیح به آیات قرآنی بیشتر بهره برده است و اکثر مظامینشان نیز باید مذهبی باشد.

۳- دلالت های اسطوره‌ای

براساس باوری اسطوره ای خداوند نخست موجودی شبیه خود آفرید که می توانست تمام زمین را بپوشاند؛ این موجود آسمان بود. پیوند آسمان و زمین، نخستین ازدواج مقدس است که ابتدا خدایان سپس آدمیزادگان به تقلید از اقدام خدایان بدان روی آوردند. بر اساس متون ودائی «زمین مادر ماست و آسمان پدرمان؛ آسمان با باران زمین را بارور می کند و زمین غله و سبزی و علف می دهد.» (الیاده، ترجمه ستاری، ۱۳۷۲: ۲۳۷ و ۲۳۹)

صفارزاده در شعر «گستردن زمین» آفرینش زمین و آسمان را مطرح می کند و آسمان را نمودی از آفرینش مرد، زمین رانمودی از آفرینش زن می داند. او در این شعر با استفاده از آیه های قرآنی می گوید: خداوند پس از آفرینش آسمان (مرد) به بسط زمین پرداخت. از آن ها در حالی که در کنار هم هستند، مراقبت می کند تا از پیوند آن ها، دیگر موجودات پدید آید:

چون آفریدگار / از آسمان / به بسط زمین پرداخت / فرمود / دشوار نیست / برای صاحب عرش /
نگاهداری هر دو / آسمان و زمین با هم. (از جلوه های جهانی، ص ۸۹۵) این بند اشاره دارد به آیه ۲۵۵ سوره بقره «اللّه لاله الاهو الحی القیوم...الابما شاءوسع کرسیه السموات والارضولا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم.»

یا در این نمونه: من از گل آمده ام / و دشمن از آتش / در خاک / نور هدایت است / در آتش التهاب فساد و فتنه / من خاک بودم / بیراهه رفتم / در باد مرا دوباره فرا خواندند / ستارگان در آمد و شد بودند... (مردان منحنی، ص ۳۸۷) این بند با اشاره به آیه ۱۲ سوره اعراف: «انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین» به آفرینش انسان اشاره می کند و به آن جنبه اسطوره ای می بخشد چراکه چنین فکری در مورد آفرینش انسان با افسانه پیدایش جهان و کیهان مرتبط می شود. (ر.ک. رانک، ترجمه جلال ستاری، ۱۳۶۶، ص ۲۷۵)

نمونه‌ای از دلالت اسطوره ای - قرآنی:

کلاغ قبرکن اول بود / قبر اول قبر هابیل است / کلاغ‌های سیاه / کلاغ‌های قبرکن زشت / سپاه قابیلند. (بیعت با بیداری، ص ۳۰۶) این بند تلمیح دارد به داستان قتل هابیل به دست برادرش قابیل که دفن جسد را از کلاغ آموخت؛ آیه ۳۱ سوره مائده: «فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یواری سوءه اخیه قال یا ویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب فواری سوءه اخی فاصبح من النادمین.»

نتیجه

بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش می توان به نتایج زیر دست یافت: از انواع تأثیر پذیری شاعر در حوزه‌های واژگانی، گزارشی، گزاره‌ای و...، از مجموع ۱۰۵ واژه و جمله‌های متأثر از قرآن در اشعار صفارزاده، ترجمه واژگانی با جامعه آماری ۴۰/۵ درصد و ترجمه بسته جمله‌ها با جامعه آماری ۳۶ درصد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده اند که نشان دهنده اصالت سبک شاعر در امر تأثیرپذیری از قرآن است و در اغلب موارد برای هشدار و تخدیر و پند و اندرز و با هدف کوبیدن سلطه گران و زورگویان به کار گرفته شده است.

نکته قابل توجه در مورد این دست از شعرهای صفارزاده، آن است که شاعر در پی نشان دادن تفنن‌ها، آرایه‌ها و بازی‌های زبانی نیست؛ بلکه او شعرش را در جهت خدمت به اعتقاد و ایمان انقلابی مردم سروده است و هدفش تبلیغ‌دین اسلام و معنویت است که در قالب شعر نمایان شده است. در ساختار سبکی و شیوه نگارش شاعر می توان به شباهت‌های نگارشی قرآن مثل واو قسم، واو ابتدا و... اشاره کرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر پیام عدالت، چاپ اول ۱۳۹۳.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش، چاپ اول.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران چاپ اول.
- رانک، اتو (۱۳۶۶)، «آسیب زایش» رمز و مثل در روان کاوی، گردآوری و ترجمه جلال ستاری، تهران: توس چاپ اول.
- رفیعی، سیدعلی محمد (۱۳۸۶) بیدارگری در علم و هنر، تهران: هنر بیداری، چاپ اول.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱)، مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، تهران: پارس کتاب.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱)، مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، تهران: پارس کتاب.
- صفارزاده (۱۳۸۴)، دیدار صبح، تهران: پارس کتاب، چاپ دوم.
- طاهره صفارزاده (۱۳۸۴)، روشنگران راه، تهران: برگ زیتون، چاپ اول.
- (۱۳۶۵)، طنین در دلتا، شیراز: نوید، چاپ دوم.
- (۱۳۶۶)، مردام منهنی، شیراز: نوید، چاپ اول.
- (۱۳۸۴)، هفت صفر، تهران: برگ زیتون، چاپ اول.

مقالات

- ترابی، ضالدین (۱۳۶۰)، دفتر شعری سرشار از شور و آگاهی، روزنامه کیهان ۲۰ فروردین ص ۸
- حق شناس، علی محمد، (۱۳۵۶)، راهی که با «سفر پنجم» در شعرا امروز آغاز می شود؛ روزنامه کیهان، اسفند ۲۵۳۶، ص ۱۱.
- میرزایی، سینا (۱۳۷۷)، نگاهی به تفکر شهادت در شعر طاهره صفارزاده، روزنامه قدس، ۲۰ فروردین ص ۱

